

بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر □ - 22 / اسفند / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. الحمد لله خالق الخلق، باسط الرزق، فالق الاصباح، ديان الدين، رب العالمين. احمده واستعينه، و استغفره و اتوكل عليه. و اصلى و اسلم على حبيبه و نجيبه، سيدنا و نبيتنا، ابى القاسم محمد، و على آله الأطييين الأطهرين المعصومين المنتجبين، سيما بقية الله فى الارضين، و صلّ على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين. اوصيكم عباد الله بتقوى الله.

عيد سعيد فطر را به همه شما عزيزان نمازگزار و به همه ملت بزرگ ايران و به همه مسلمين عالم، تبريك عرض مى كنم. روزى بزرگ، پس از روزها و شبهايى بسيار با عظمت است. اميرالمؤمنين، عليه الصلاة والسلام در يکى از خطبه هاى روز عيد فطر چنين فرمود: «ايها الناس! ان يومكم، هذا يوم مثاب فيه المحسنون (1)» ؛ اى مردم! امروز روزى است که در آن نيکوکاران پاداش و اجر خود را از خداى متعال مى گيرند ؛ اجر روزه، اجر عبادات ماه رمضان، اجر امساکها و جلوگيريهيها از هواى نفس. «و يخسر فيه المبطلون» ؛ و کسانی که حرکت و عمل نادرست داشته اند، در چنين روزى، خسارت بديکارگى خود را خواهند يافت. امروز، روز جزاست. «و هو اشبه يوم بيوم قيامكم» ؛ امروز، شبيه روز قيامت است. «فاذكروا بخروجكم من منازلکم الى مصلاکم، خروجکم من الاجداث الى ربکم» ؛ از خانه که به طرف مصلاى نماز عيد فطر خارج مى شويد، به ياد بياوريد هنگامى را که از قبرهاى خود در روز قيامت خارج مى شويد تا به طرف ميدان عظيم قيامت و محل ثواب و عقاب الهى روانه گرديد. «واذكروا بوقوفکم فى مصلاکم ووقوفکم، بين يدي ربکم» ؛ در مصلا که برای نماز مى ايستيد، به ياد بياوريد هنگامى را که در قيامت، در پيشگاه پروردگار ايستاده ايد و برای حساب و کتاب آماده مى شويد. «واذكروا برجوعکم الى منازلکم، رجوعکم الى منازلکم فى الجته» ؛ از مصلا که به خانه هاى خود بر مى گرديد، به ياد بياوريد وقتى را که از عرصه قيامت به سوى منازل بهشتى خود روانه مى شويد تا در آنها سکنا گزينيد.

بعد فرمود: اى بندگان خدا! «ان ادنى ما للصائمين والصائمات» ؛ کمترین پاداشى که خداى متعال برای مردان و زنان روزه دار در مثل امروز يا در مثل روز آخر ماه رمضان عطا خواهد کرد، اين است که «ان يناديهم ملك فى آخر يوم من شهر رمضان» ؛ فرشته اى در آخرين روز ماه رمضان، آنها را مخاطب قرار دهد و گويد: «ابشروا عبادالله» ؛ بشارت بر شما باد اى بندگان خدا! «فقد غفرلکم ما سلف من ذنوبکم» ؛ گناهان شما آمرزيده شد.

اين، پاداش ماه رمضان است. به يك روزه درست، يك عمل پر مغز و يك عبادت خالصانه و مخلصانه، در آخرين دقايق ماه رمضان و آخرين ساعات آن ماه عزيز، اين گونه پاداش داده مى شود: «فقد غفر لکم ما سلف من ذنوبکم». آمرزش گناهان گذشته، پاداش کمی نيست! «فانظروا كيف تكونون فى ما تستأنفون» ؛ ببينيد از امروز که مى خواهيد روزى نو را شروع کنيد، چگونه شروع خواهيد کرد. مبدا خيال کنيد و با خود بگوييد که «ما گناه کنيم، تا در ماه رمضان ديگر، آمرزيده شويم!» هيچ کس نمى داند که تا ماه رمضان ديگر زنده خواهد ماند يا نه. سال گذشته، در همين نماز عيد و در همين مصلى ، کسانی حضور داشتند که امسال نيستند. سال آينده هم معلوم نيست کدام از ما باشيم و کدام نباشيم. به علاوه، گناهی که از روى تجرّی و تعمّد انجام گيرد، دل انسان را سياه و تاريک مى کند. از چنين انسانی، ديگر عبادت خالصانه، به آسانی سر نمى زند ؛ تا گناه وى به خاطر آن عبادت آمرزيده شود. سعی کنيد و سعی کنيم که از گناهان اجتناب نماييم و عمل صالح انجام دهيم. اين است خصوصيتى که يك انسان را سعادت مند مى کند.

امروز، به مناسبت عید فطر و پس از این کلمات نورانی که از خطبه امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نقل شد، یک نکته اخلاقی کوتاه را می‌خواهم عرض کنم. آن نکته این است که در یکی از دعاهای صحیفه سجّادیه - صحیفه ثالثه سجّادیه - در آخر دعایی که مابین نافله و فریضه صبح خوانده می‌شود، از امام سجاد علیه السلام چنین نقل شده است: «اللّهم الرّزقنى عقلاً كاملاً و عزمًا ثاقباً و لباً راجحاً و قلباً زكياً و علماً كثيراً و ادباً بارعاً.» آن حضرت، شش چیز از خدای متعال خواسته است. می‌فرماید: خدایا! عقل کامل، اراده نیرومند، لبّ راجح - که من روی این خواسته سوم می‌خواهم تکیه کنم - دل پاکیزه، دانش بسیار، و ادبی برجسته و درخشان به من عنایت کن!

نکته و خواسته سوم، «لبّ راجح» است. معنایش این است که «باطن و مغز کار من، از ظاهر و شکل کار من، بیشتر باشد.» ببینید امام سجاد، علیه السلام از خدا چه خواسته است! من می‌خواهم برای شما مردم مؤمن، برای ملت بزرگ ایران، برای دل‌هایی که به نور ایمان روشن شد و با سخن و عمل خود دنیایی را روشن کرد، این نکته را تکرار کنم: «لبّاً راجحاً.»

ما، دو نوع آدم داریم: یک نوع، آدمی است که هرچه هست، در ظاهر اوست. ظاهرش جذاب و چشمگیر و احیاناً خاشع کننده و خاضع کننده است. اما باطنش پوک و پوچ است؛ چیزی در او نیست. این، بدترین نوع آدمی است که می‌خواهد منشأ آثار بزرگ باشد. پناه بر خدا! اما یک نوع دیگر، آدمی است که باطن او بر ظاهرش ترجیح دارد. ظاهرش هر چه هست، باطن او بهتر و بیشتر از ظاهر، جذابیت دارد. امام سجاد علیه السلام به ما درس می‌دهد که از خدا بخواهیم آدمی از نوع دوم باشیم.

می‌دانیم که دعاها، فقط خواستن از خدا نیست؛ بلکه درس برای خود ما نیز هست. ریاکاری، مال آدم نوع اول است. صومعه، از آن آدم نوع اول است. پوکی و بی‌مغزی، ویژه آدم نوع اول است. چنین آدمی، نه در جنگ به درد می‌خورد، نه در شدت به کار می‌آید و نه بارهای سنگین را می‌تواند بر دوش بگذارد. هر چه دارد، فقط ظاهر است! اما تربیت اسلامی، غیر از این است. تربیت اسلامی بر این مبناست که ظاهر را باید حفظ کنی، اما باطن باید ظاهرش بهتر باشد. کسانی نگویند «ظاهر هرطور بود، بود. اصل، باطن است.» بله، اصل باطن است. اما ظاهر باید نمودار باطن باشد: «الظاهر عنوان الباطن.» (2) ظاهر را هم باید درست کرد. هیچ کس نباید تظاهر به کار خلاف کند. اگر از عمل و سیمای کسی آثار عبادت خدا دیده و شناخته شود، تأثیر بسیار خوبی می‌گذارد. اما در همان حال، باید باطن از ظاهر، بهتر و سنگینتر باشد.

پروردگارا! تو را به محبوب بزرگ عالم امکان، امام زمان، تورا به آن قطب همه فضایل هستی سوگند می‌دهیم، باطن ما را از ظاهرمان بهتر کن.

پروردگارا! دعای ولیّ عصر، ارواحنا فداه را شامل حال ما بگردان.

پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار و ارواح مقدّسه شهدا و گذشتگان ما را، در امروز از این مجمع و از حسنات اعمال ما، بهره مند بگردان.

پروردگارا! اعمال ماه رمضان را از همه ما قبول فرما و توفیق عمل صالح به همه ما عنایت کن.

بسم الله الرحمن الرحيم.

قل هو الله احد. الله الصمد. لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا، ابي القاسم محمد، و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين، سيما على، اميرالمؤمنين، والصديقة الطاهرة، و سبطي الرحمة، و امام الهدى، الحسن والحسين، و على بن الحسين، و محمد بن علي، باقر علم النبيين، و جعفر بن محمد الصادق، و موسى بن جعفر الكاظم، و على بن موسى الرضا، و محمد بن علي الجواد، و على بن محمد الهادي، و الحسن بن علي العسكري، والحجة بن الحسن القائم المهدي. حججك على عبادك، و امنائك في بلادك. و صل على ائمة المسلمين، و حماة المستضعفين، و هداة المؤمنين. اوصيكم عباد الله بتقواله.

امروز، در صحنه سياست بين المللی - دولتها و قدرتهاي جهانی از يك طرف و ملتها و جمعيتهاي انبوه مردمی از طرف دیگر - هم خصوصيات زیبا وجود دارد و هم خصوصيات زشت. خصوصيات زیبا، بيداری ملتها، اسلامگرایی ملتهاي مسلمان و تحمل ناپذیری مظلومان است، و خصوصيات زشت، ستمگری ستمگران، زورگویی قلدان و توطئه بددلان و بدخواهان ملتهاست. در بين نقاط نامطلوب و زشت در صحنه جهانی، يك نقطه - به نظر من - زشت تر از همه است. امروز می خواهيم آن نقطه را مورد تکیه قرار دهيم، تا نظر ملت ايران، برای همه کسانی که نظاره گرند معلوم شود. آن نقطه این است که ما از قلدرها و گردن کلفتهاي عالم، انتظار خوب بودن و ظلم نکردن نداريم؛ اما از مجامع جهانی عالم، انتظار انصاف و استقلال داريم! سازمان ملل، اسمش سازمان ملل است. یعنی جایی که از آن ملتهاست. این سازمان جهانی، در تيول دولتها هم نیست، چه رسد به این که مال چند دولت قلد زورگوي افزون دنیا باشد. متأسفانه، امروز، واقعیت چیز دیگری است و این، همان نقطه بسیار زشت است. ما البته کارهاي شورای امنیت را که دستگاه اصلی تصمیم گیرنده در سازمان ملل و قلب این سازمان است، از قبل دیده بوديم. فهمیده بوديم که چقدر این سازمان، در مواقع حساس، درمشت ابرقدرتها قرار می گیرد و برای آنها - و نه برای ملتها - می شود. شاهد مثال آن، قضیه جنگ تحمیلی بود. وقتی جنگ تحمیلی پیش آمد و عراق مرزهاي ما را شکست و وارد چنداستان کشور ما شد، ما طبق معمول به سازمان ملل شکایت کرديم. طبق مقررات سازمان ملل، می بایست شورای امنیت در ظرف چند ساعت، قطعنامه ای صادر می کرد که عراق را به عنوان متجاوز محکوم کند. این کار را نکردند؛ و تا چندین روز، هیچ عکس العملی نشان ندادند. وقتی که قشون عراق، با استفاده از اوضاع نابسامان آن روز ما، در خاک کشور عزیزمان، خوب جاگیر شد و چند هزار کیلومتر را اشغال کرد، تازه شورای امنیت سر بلند کرد که يك کلمه حرف بزند. مثلاً، قطعنامه صادر کرد! قطعنامه چه بود؟ آیا قطعنامه این بود که «متجاوز، از خاک ايران، بیرون برود»؟ ابداً! قطعنامه صادر کردند که «ايران و عراق، آتش بس اعلام کنند»! یعنی چه؟ یعنی قشون عراق وارد خاک ايران شده است و حال که نوبت دفاع جانانه ملت ايران است، دستها بسته شود و کسی دفاع نکند و متجاوزین رابیرون نریزند! این، قطعنامه شورای امنیت بود! می دانيد که چند سال، اینها بی آن که متجاوز را محکوم کنند، همین حرف را زدند! البته رزمندگان ما، در مدت نه چندان زیادی - تقریباً در ظرف يك سال و نیم - اکثر زمینها را خودشان پس گرفتند.

این سابقه را، در قضیه جنگ تحمیلی از شورای امنیت سازمان ملل داشتيم. بعد از چند سال، حمله عراق به کویت اتفاق افتاد. وقتی که عراق به کویت حمله کرد، دیگر مسأله، مسأله يك ملت مظلوم نبود. مسأله، مسأله منافع امریکا و ابرقدرتها بود و همه دیدید که در ظرف چند ساعت، قطعنامه اول صادر شد که «عراق باید از کویت بیرون برود.» یعنی همان موردی که ما چند سال به شورای امنیت می گفتيم باید چنین قطعنامه ای را در جنگ تحمیلی که علیه ما آغاز کرده اند، صادر کند و نمی کرد.

باری؛ در ظرف چند ساعت قطعنامه اول صادر شد و بعد هم، بلافاصله، پی در پی، شورای امنیت قطعنامه های گوناگونی صادر کرد و به امریکاییها اجازه داد که وارد خلیج فارس شوند. اجازه داد عراق را ویران کنند و هر کاری که دلشان می خواست بکنند. تا امروز هم، اجرای قطعنامه های شورای امنیت نسبت به قضیه جنگ کویت، در جریان است و هنوز هم اجرا می شود.

این مسائل را ما دیده بودیم. در این ماههای اخیر هم، یک بار در قضیه بوسنی، که شورای امنیت بایستی حرکت عادلانه ای انجام می داد، دیدیم انجام نداد. چنان که در قضیه حرم شریف ابراهیمی در فلسطین اشغالی، اقدامی به عمل نیاورد. ملتهای مسلمان اعلام آمادگی کردند تا نیروهایی را به عنوان سربازان سازمان ملل اعزام کنند که میان صربها و مسلمانان بوسنی حایل شوند. شورای امنیت گفت که «مسلمانان نمی توانند بروند؛ چون ممکن است از طرف مسلمان درگیر در مناقشه، حمایت کنند». البته، این حرف غلطی بود. چون مسلمانان برای وساطت می رفتند و می خواستند بین طرفین نزاع حایل شوند؛ نه این که بجنگند. شورای امنیت، چنین ادعایی را مطرح کرد. اما در همین حال اجازه دادند که سربازان روسی که معلوم بود با صربها روابط دوستانه و صمیمی دارند، به عنوان سربازان سازمان ملل، به آن منطقه بروند و به عنوان حایل در آن جا حضور داشته باشند.

پس چرا این جا ملاحظه نکردند که سربازان روسی، از لحاظ مذهبی و از جهات پیوندهای گوناگون، با صربها ارتباط دارند؟! دنیا تصویر تانکهای سربازان روسی را که حامل آرم سازمان ملل بود، منتشر کردند. در آن تصاویر، نشان داده می شد که روسها وارد منطقه می شدند و صربها برایشان شعار می دادند، کف می زدند و هورا می کشیدند! هنوز هم مسلمانان بوسنی قربانی می شوند و سازمان ملل ککش نمی گزد! شورای امنیت هم به وظیفه خود عمل نمی کند.

قضیه دوم، فاجعه خونین حرم ابراهیمی است. در این ماجرا اسرائیل می بایست شدیداً محکوم می شد. بایستی محاکمه می گردید و مجبور می شد مجازاتهایی را تحمل کند. این کارها رابایستی سازمان ملل می کرد و نکرد. شورای امنیت هم در این قضیه به وظیفه خود به هیچ وجه عمل نکرده است.

علت را در چه می بینیم؟ در نفوذ قدرتهای بزرگ، و در رأس آنها نفوذ امریکا بر شورای امنیت و بر شخص دبیرکل! این، نظر نظام جمهوری اسلامی و نظر ملت ایران است. ما با کسی دشمنی خاصی نداریم. مابه مقامات جهانی، برحسب شأن و موقعیتشان، احترام می گذاریم. دبیرکل قبلی سازمان ملل (3)، مکرراً به ایران آمد. در آن زمان، رئیس جمهور، رئیس مجلس و مسؤولین وزارت خارجه، از او احترام و تکریم کردند. اگر دبیرکل به وظایف خود عمل کند، ما او را احترام می کنیم. اما به نظر ما و به نظر ملت ایران، دبیر کل فعلی سازمان ملل به وظیفه خود عمل نکرده است. این حرکت زشت اخیر که کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر سازمان ملل انجام داد و در اقدامی مفتضحانه، جمهوری اسلامی را متهم کرد، از همین قبیل است. جلو چشمشان، اسرائیلیها صدها نفر مسلمان نمازگزار را به خاک و خون می کشند و بیش از هفتاد نفر را می کشند، اما آنها را محکوم نمی کنند!

در این منطقه، کدام دولت و ملت راسراغ دارید که مثل دولت و ملت ایران، مردمی باشد، آزاد باشد و حکومتش در اختیار آرا و افکار مردم باشد؟! چنین مجلس و چنین آزادی ای که دولت مردان، از مردم، در میان مردم و با مردم باشند، کجا سراغ دارید؟ ملت ایران، برای خاطر خدا، برای حفظ استقلال و آزادی خود، برای خاطر ظلم ستیزی خود، برای این که روی پای خود بایستد، برای این که تحت نفوذ امریکا نباشد و برای این که گذشته ننگین دوران سلطنت را با رفتار شجاعانه و بزرگووانه خود به کلی بشوید و از بین ببرد، در مقابل همه قدرتهای قلدر ایستاده است و باز هم خواهد ایستاد. آینده این ملت، روشن است. روزبه روز قدرت این ملت بیشتر و ریشه هایش عمیقتر می شود. روزبه روز سخن این ملت در جهان، خریدار بیشتری پیدا می کند و می بینید که امروز همین گونه است. ما امروز از ده

سال گذشته، قویتر و در دنیا آبرومندتریم. ملت، به برکت اسلام و به برکت قرآن، مستقیمتر و شجاعتر و آماده پیگیری راه بزرگ و هدف عالی خود است.

یک نکته دیگر هم در پایان این صحبت عرض کنم: متأسفانه، مسأله حج، هنوز آن گونه که باید و شاید، در جریان عادی خود قرار نگرفته است. دولت سعودی سنگ اندازی می کند و نمی داند چرا؟! وزارت خارجه، سازمان حج، دستگاه نمایندگی رهبری و «بعثه» رهبری، تلاشهای زیادی کرده اند و باید بسیاری از کارهای حج در این روزها - بعد از ماه رمضان - تمام شده باشد. اما مشکل می آفرینند. نمی داند چرا این کار را می کنند؟! البته ما، حمل برصحت می کنیم. ما امیدواریم که مسؤولین سعودی، خدای ناخواسته حرکتی نکنند که ملت ایران از آنها خشمگین شود. کاری نکنند که مسلمانان جهان چنین احساس کنند که حج نیز وسیله ای در دست امریکا و قدرتهای بزرگ است. نباید چنین شود و امیدواریم که نشود.

بنده اعلام می کنم که حج، حق مسلمانان، و خانه خدا از آن مسلمانان است. «انّ اولّ بیت وضع للناس (4)». خانه خدا مال کسی نیست. اگر کسی افتخار این را پیدا کرد که مدیریت خانه خدا در دست او باشد، باید خدا را شکر کند و وسیله رفاه ملتها را برای رفتن به مکه فراهم سازد؛ نه این که سنگ اندازی کند. این ملت بزرگ و مؤمن، با آن علاقه و شوقی که به زیارت خانه خدا و زیارت قبر مطهر نبی اکرم و قبور ائمه بقیع علیهم السلام دارد، شایسته است که برای زیارت حج و طواف خانه خدا، مقدّم بر سایر ملتها قرار گیرد. ما از خدا می خواهیم مناسک حج که مناسکی اسلامی است، اسلامی باقی بماند و قربانی سیاستهای بین المللی استکبار نشود.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، ملت‌های مسلمان را بیدار کن.

پروردگارا! ستمگران عالم را به دست مظلومان مجازات کن.

پروردگارا! ملت سرافراز و بزرگ ایران عزیز اسلامی را آن چنان که شایسته بزرگواری او و شایسته کرامت توست، عطا و پاداش عنایت کن.

پروردگارا! ارواح مطهره شهدا و روح مقدس امام را از ما خشنود کن.

بسم الله الرحمن الرحيم.

والعصر. انّ الانسان لفي خسر. الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

1) -

2) بحار الانوار؛ ج 66؛ ص 365.

3) خاویر پرزوکوئیاری



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

4) آل عمران: 96